

"تپه‌ی باستانی مدرسه‌ی بعثت" کوشک، شهریار: دشواری‌هایی در تدوین گاهنگاری منطقه‌ای و تغییر الگوی استقراری دوره‌های نوسنگی و مس و سنگ در شمال فلات مرکزی ایران

سجاد علی بیگی * و شکوه خسروی**



چکیده:

نتیجه‌گیری‌های باستان‌شناختی را دچار دگرگونی، نقص و کاستی خواهد نمود.

در زمان تعیین حریم تپه‌های باستانی شهرستان شهریار در بهار ۱۳۸۵ به سرپرستی حسین توفیقیان فرصتی دست داد تا از محلی

که روستائیان کوشک به عنوان محل تسطیح شده یک تپه باستانی یاد می‌کردند، دیدن کنیم. بازدید از محوطه به دلیل اهمیت مواد

فرهنگی سطحی آن با دقت فراوان صورت پذیرفت. وجود قطعه سفال

واژگان کلیدی: تپه‌ی باستانی مدرسه‌ی بعثت، روستای کوشک شهریار، سفال، سیلک III

های دوره‌ی سیلک III که برای نخستین بار در شهریار مشاهده می‌شد، دلیلی شد تا به مطالعه دقیق و معرفی این محوطه بپردازیم.

مقدمه

مطالعه پراکندگی زمانی و مکانی استقرارهای انسانی به منظور شناخت و درک الگوهای استقراری بسیار مهم و درخور توجه است. لزوم کسب آگاهی از وجود تمامی محوطه‌های باستانی در هر دوره‌ی زمانی منجر به ارائه الگویی دقیق از وضعیت استقرارها و رده-اندازه آنها در دوره‌های مختلف خواهد شد. تامل در روند تخریبات و فعالیت‌های مخرب انسانی هم چون قرار گرفتن در محدوده‌ی طرح‌های عمرانی چون راه‌سازی، سدسازی و امثالهم و یا تسطیح و خاکبرداری

نکته دیگر اینکه مطالعه‌ی محوطه‌های نابود شده‌ای از این دست که می‌توانند نقشی اساسی در گاهنگاری منطقه‌ای و هم‌چنین الگوهای استقراری داشته باشند مهم و قابل تأمل است. هدف ما از ارائه این مقاله معرفی یک محوطه‌ی استقراری نابود شده پیش از تاریخی در دشت شهریار و توجه به این نکته است که عدم توجه به داده‌های محوطه‌های تخریب شده در چشم‌انداز باستان‌شناختی منطقه‌ای

* دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

اجتماعی و اقتصادی در بین سایر ساکنان ایران برخوردار بوده اند، به ناگاه در آستانه ورود به دوره آغاز شهرنشینی متوقف شده اند و تا به حال اثری از بالندگی و رشد آنان در دوره برنز به دست نیامده است (فاضلی و دیگران ۱۳۸۴: ۳۱).

گیرشمن و اشمیت نخستین باستان‌شناسانی بودند که در مورد استقرارهای پیش از تاریخی در فلات مرکزی به پژوهش پرداختند. شواهد و یافته‌های آنان از حفاری تپه‌های سیلک، حصار و چشمه علی، مبنای تقسیم‌بندی و معرفی حوزه‌های فرهنگی توسط دو نالد مک کان را فراهم آورد. مک کان سه مرحله را برای فرهنگهای پیش از تاریخ فلات مرکزی در نظر گرفت. در این تقسیم‌بندی مرحله قدیم، دوره سیلک I، مرحله میانی معروف به چشمه علی که از تپه‌های سیلک و چشمه علی شناسایی شده بود، دوره سیلک II و سرانجام مرحله سوم موسوم به حصار دوره‌های سیلک III و حصار I را شامل می‌شد (مجید زاده ۱۳۸۲: ۵۵).

اطلاعات و دانسته‌های ما از فرهنگ‌ها و استقرارهای پیش از تاریخی در شمال فلات مرکزی و بخصوص استان تهران محدود به گزارش‌های کوتاه و خبرگونه حفاری تپه‌های چشمه علی، موشلان تپه و قره تپه است. اطلاعات جدیدتر از طریق کاوش دوباره چشمه علی (Fazeli 2001) و بررسی اختصاصی استقرارهای دوران نوسنگی و مس و سنگ در دشت تهران به ترتیب در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ (فاضلی ۱۳۸۰)، کاوش سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ دکتر مجید زاده در محوطه ازبکی (مجید زاده ۱۳۸۲ و ۱۳۷۸)، کاوش در آق تپه گنبد کاووس (ملک شه‌میر زادی و نوکنده ۱۳۷۹)، کاوشهای میر عابدین کابلی در قره تپه قمرود و کاوش‌های مجدد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران در دشت قزوین حاصل آمده است.

روند جدید فعالیت‌های میدانی در منطقه با پژوهش‌های مشترک موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و دانشگاه‌های دورهام، برادفور، دلیستروسازمان میراث فرهنگی و گردشگری در دشت تهران از سال ۱۳۸۲ با هدف مطالعه دگرگونی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جوامع انسانی در منطقه (دشت تهران) در دوره روستا نشینی آغاز گردیده است (فاضلی و دیگران ۱۳۸۴: ۳۱). فصل اول این پژوهش با بررسی باستان‌شناسی در سال ۱۳۸۲ در دشت تهران به مدت دو هفته آغاز گردید و نتایج آن نیز به چاپ رسید (Cunningham ۲۰۰۴). طی این پروژه دومین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعات زمین

محوطه‌ها توسط اهالی باعث نابود شدن و یا پنهان شدن آثار از چشم باستان‌شناسان خواهد شد، و نتیجه‌گیری در مورد چگونگی پراکندگی محوطه‌های باستانی هر منطقه دچار کاستی و خطاهای ناخواسته خواهد بود و در نتیجه تصویری نادرست را در اختیار قرار خواهد داد.

متأسفانه شهر تهران و دیگر شهرهای مجاور به علت فشار بیش از حد جمعیت و توسعه بی‌رویه بافت شهری و کارخانجات، زمینه را برای تخریب محوطه‌های باستانی فراهم آورده است. در این میان چندین محوطه پیش از تاریخی مهم چون مهران آباد، گاو میش‌خانه شهریار و تپه مدرسه بعثت در روستای کوشک شهریار به کلی از میان رفته و هیچ اثری از کالبد باستانی آنها در دست نیست. این محوطه‌ها که وسعت و ارتفاع زیادی نداشته و ممکن است طی سالیان دراز توسط اهالی و یا به واسطه فعالیت‌های دیگر، از میان رفته و به کلی نابود شده باشند. در بررسی‌های باستان‌شناختی به عمل آمده نیز از محل دقیق این محوطه‌ها (به جز گاو میش‌خانه) اطلاعی در دست نیست حال اگر پژوهشگری قصد مطالعه محوطه‌های استقرار اولیه و الگوی استقرار دوره‌های آغازین یکجا نشینی را داشته باشد تا چه حد ممکن است به بیراهه رود و دچار اشتباه شود؟ در این پژوهش قصد بر آنست تا با معرفی دقیق آثار پراکنده و معدود محوطه و مقایسه گونه‌شناختی و گاهنگاری تطبیقی آنها بخشی از این نقیصه را جبران نمائیم.

پیشینه پژوهش‌های پیش از تاریخی در شمال فلات

مرکزی ایران

شمال فلات مرکزی و به ویژه دشت تهران و نواحی جنوبی و غربی آن یکی از مناطقی است که پس از دوران پارینه سنگی تا کنون میزبان گروه‌های مختلف انسانی بوده و با توجه به شرایط مناسب زیست محیطی، گروه‌های کوچک انسانی در سراسر دشت‌های حاصلخیز و مستعد آن استقرار یافته‌اند. "از توزیع جمعیت جوامع انسانی دوران پارینه سنگی جدید، فرا پارینه سنگی و نوسنگی آغازین ساکنان شمال فلات مرکزی اطلاع چندانی در دست نیست ولی در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از زمان حاضر شاهد رشد و افزایش بی‌سابقه جمعیت در کوهپایه‌های جنوبی جبال البرز هستیم که تا حدود ۵۰۰۰ سال قبل تداوم داشته است. این جوامع از رشد و پویایی درخور توجهی در روابط بازرگانی، تخصص‌پذیری فن، ظهور خان‌سالارها و پیچیدگی در روابط

ریخت شناسی در جنوب شرق پیشوا در سال ۱۳۸۳ و نخستین و دومین فصل کاوش های باستان شناسی در تپه باستانی پردیس در سال های ۱۳۸۳ (فاضلی و دیگران ۱۳۸۴) و ۱۳۸۴ به انجام رسید.

دشت شهریار و اطلاعات باستان شناختی آن

دشت شهریار یکی از مناطق بسیار حاصلخیز و مستعد در شمال فلات مرکزی و جبهه جنوبی البرز است و از این رو از گذشته های دور تاکنون محل سکونت و استقرار گروه های مختلف انسانی بوده است. "وجود رودخانه دائمی کرج و سکونتگاه های پر شمار پیرامون آن را باید از نشانه های رونق و شکوفایی دشت شهریار در گذشته های دور و نزدیک تصور کرد، علاوه بر رود کرج ساختار زمین شناختی، شرایط اقلیمی و منابع آب زیر زمینی را باید از دیگر عوامل حاصلخیزی و تراکم استقرار های انسانی در شهریار دانست" (مصدقی ۱۳۸۰: ۸).

تنها کاوش باستان شناختی در شهرستان شهریار، کاوش دو هفته ای برتن براون در سال ۱۹۵۷ در محوطه ی باستانی قره تپه در نزدیکی روستای جوقین است (ملک شه میرزادی ۱۳۷۸: ۳۶۷). برتن براون نتایج و دستاوردهای پژوهش خود در قره تپه را به صورت دو خبر نامه و گزارش نهایی به چاپ رسانده است (۱۹۶۲, ۱۹۷۲, ۱۹۷۹: Burton - Brown). حدود ۴۰ سال پس از کاوش های برتن براون در قره تپه این محوطه در سال ۱۳۷۶ توسط حسن قراخانی از میراث فرهنگی تهران تعیین حریم و نشانه گذاری شد (قراخانی ۱۳۷۶). چند گزارش نیز از بازدید و پیشنهاد تعیین حریم محوطه هایی چون گاومیشخانه

(قراخانی بهار ۱۳۶۱ الف) و حصارک غفاری (قراخانی بهار ۱۳۶۱ ب) در شهریار در آرشیو میراث فرهنگی استان تهران در دست است. در سال ۱۳۸۰ شهرستان شهریار توسط آقای فرشید مصدقی امینی مورد بررسی، شناسایی و مطالعه قرار گرفته است (مصدقی، ۱۳۸۰). علاوه بر اینها چند محوطه مهم باستانی شهریار نیز در سال ۱۳۸۵ توسط حسین توفیقیان تعیین حریم و نشانه گذاری شده است.

تپه تسطیح شده مدرسه بعثت روستای کوشک، شهریار

محوطه موسوم به "تپه ی تسطیح شده ی مدرسه ی بعثت" روستای کوشک در جنوب روستایی به همین نام در حدود ۲۰

کیلومتری غرب شهریار و در فاصله حدود ۵۰۰ متری شمال جاده شهریار - اشتهارد واقع شده است (تصویر ۱). محوطه در دشتی صاف و هموار با اراضی کشاورزی حاصلخیز قرار گرفته و فاصله کمی با استقرار های مهم پیش از تاریخی در دشت شهریار چون تپه ارسطو در شرق، زال تپه کوشک در شمال غرب و گاومیشخانه در جنوب دارد. به دلیل تخریب کامل محوطه و ناآگاهی از نام آن، به تبعیت از نام روستا و مجاورت مدرسه راهنمایی بعثت با محوطه از این پس ما آن را تپه مدرسه بعثت کوشک می خوانیم (تصویر ۲).

هیچ گونه شواهد ظاهری از بافت باستانی و ابعاد این محوطه در دست نیست. تنها بر سطح محوطه تعدادی قطعه سفال مشاهده که با توجه به پراکندگی آنها به نظر می رسد که تپه وسعتی در حدود ۸۰×۸۰ متر داشته است (ذکر این نکته ضروری است که پراکندگی مواد فرهنگی به هیچ وجه نمی تواند معیار دقیقی برای وسعت واقعی چنین محوطه ای باشد، زیرا ممکن است که بیشتر این مواد بر اثر فعالیت های متأخر جابجا شده باشند). به گفته ی اهالی روستای کوشک، در این محل تپه ای با ارتفاع حدود ۴ متر قرار داشته که سال ها پیش در زمان احداث مدرسه بعثت به وسیله لودر کاملاً تسطیح و خاک آن به محل دیگری انتقال داده شد. متأسفانه هیچ گونه اطلاع باستان شناختی از این محوطه در دست نیست، زیرا بررسی دشت شهریار (مصدقی ۱۳۸۰) مدت ها پس از ویرانی محوطه صورت گرفته و در آن نیز به محوطه اشاره ای نشده است.

یافته های سطحی

از بررسی این محوطه تنها تعدادی قطعه سفال، قطعاتی از دو سنگ ساب و یک تراشه سنگ چخماق به دست آمد (تصویر ۳ و ۴)؛ (شکل ۲ و ۱). قدیمی ترین سفال های گردآوری شده، خمیره قرمز آجری و قرمز متمایل به نارنجی دارند. این سفال ها را می توان از نظر ساخت به دو دسته زمخت و متوسط تقسیم کرد. سفال هایی با خمیره خشن قرمز آجری دارای پوشش گلی غلیظ به رنگ قرمز متمایل به آلویی و نخودی متمایل به نارنجی است، شاموت این سفال ها را کاه درشت و سبزیجات خرد شده تشکیل می دهد و در مواردی ذرات آهک به صورت ناخالصی در خمیره سفال ها دیده می شود. بدنه ی این ظروف با نقوش هندسی ساده و به رنگ سیاه تزیین شده، فرم ظروف ساده و شامل یک ظرف دیزی مانند با لبه متمایل به داخل و

(مجید زاده ۱۳۸۲: ۵۹) و چندین محوطه از دشت قزوین در غرب چون تپه قبرستان، محمودیه، مرتضی گرد، قره تپه قم و سیلک تا قسمت های شرقی تر فلات مرکزی به دست آمده است (مجید زاده ۱۳۸۲ ب: ۵۷).

سومین گروه از سفال های گردآوری شده شامل تعداد بسیار معدودی سفال با خمیره قرمز آجری است. سطح این قطعات را پوشش گلی غلیظی به رنگ قرمز و در مواردی نخودی در بر گرفته است. شاموت این قطعات را مخلوطی از گاه و مقدار اندکی ماسه تشکیل می دهد. تمامی قطعات به وسیله دست ساخته شده تقریباً در حرارت کافی پخته شده اند. شکل ظروف شامل کاسه های کم عمق با کف تخت و یک کاسه عمیق با لبه ی عمودی است. سطح بیرونی کاسه عمیق و سطح داخلی یکی از کاسه های کم عمق با نقوش هندسی به رنگ سیاه تزیین شده است. نمونه های قابل مقایسه با این سفال ها از پرندهک ۱، فخرآباد، صادق آبادی و چشمه علی (فاضلی ۱۳۷۷) به دست آمده است. بر اساس مشابهت های موجود به نظر می رسد که این قطعات مربوط به دوره سیلک ۳-۱ یا دوره مس و سنگ قدیم است.

چهارمین و آخرین گروه از سفال های سطحی شامل تعداد زیادی قطعات چرخ ساز با خمیره نخودی و نارنجی رنگ است. بر خلاف دیگر سفال های به دست آمده خمیره این ظروف خوب ورز داده شده است. از نظر ساخت، این سفال ها را می توان به دو گروه ظریف و متوسط تقسیم کرد. سطح سفال های با خمیره نارنجی با پوشش گلی رقیق به رنگ نخودی و در مواردی نارنجی، و سفال هایی با خمیره نخودی با پوشش گلی رقیق به رنگ خمیره (نخودی) پوشانده شده است. شاموت تمامی قطعات را ماسه نرم و بدون ناخالصی تشکیل می دهد. با توجه به قطعات گرد آوری شده به نظر می رسد در این گروه سفال بیشتر قسمت های بالایی ظروف و نزدیک به لبه تزیین شده است. تزیین بیشتر ظروف به رنگ سیاه و قهوه ای و با استفاده از نقوش هندسی چون خطوط موج عمودی، هاشورهای متقاطع و مثلث های تو پر کنار هم، خطوط افقی موازی و هاشورهای مورب درون یک کادر است. از دیگر نقوش متداول نقش گیاه اسپند و در مواردی ترکیبی از نقوش هندسی و گیاهی می باشد سطح یک قطعه به احتمال با نقش پره های متعدد به رنگ قهوه ای تزیین شده است. این چرخ دارای یک تویی در مرکز و ۲۰ پره در اطراف آن است (تصویر ۵).

یک کاسه دهان باز کم عمق با کف تخت است. این قطعات با دست شکل داده شده و در حرارت کم پخته شده اند.

دسته ی دیگر از این ظروف دارای خمیره ی قرمز متمایل به نارنجی و پوشش گلی به رنگ قرمز متمایل به آلبی و قرمز متمایل به نارنجی است. خمیره ی این ظروف نسبت به دسته پیشین منسجم تر و ظریف تر است. شاموت این قطعات را مخلوطی از ماسه ی نرم و گاه و در مواردی ماسه ی نرم تشکیل می دهد، سطح یک نمونه نیز اندکی صیقل شده است. سطح خارجی تمامی قطعات با نقوش هندسی چون خطوط عمودی موج، باند های پهن و مثلث هایی با هاشور متقاطع تزیین شده اند.

نمونه های قابل مقایسه با سفال های "تپه تسطیح شده مدرسه بعثت" از سیلک شمالی (گیرشمن ۱۳۷۹)، موشلان تپه اسماعیل آباد (حاکمی ۱۳۳۸)، قره تپه شهریار (Burton- 1979, 72, 1962)، Brown، چشمه علی ری (اسفندیاری ۱۳۷۸؛ Fazeli 2001)، قره تپه و آق تپه قمرود (کابلی ۱۳۷۸)، جیران تپه و مارال تپه از یکی (مجید زاده ۱۳۸۲)، گاو میشخانه شهریار (قراخانی ۱۳۶۱ الف؛ مصدقی ۱۳۸۰)، فخر آباد و رامین (فاضلی ۱۳۷۷؛ خلعتبری ۱۳۸۰؛ رضایی نیا ۱۳۸۵) ، زاغه (Malek Shahmirzadi 1977؛ فاضلی ۱۳۸۴)، صادق آبادی "محمد آباد" (فاضلی ۱۳۸۴-۱۳۷۷؛ رضایی نیا ۱۳۸۵)، مافین آباد (فاضلی ۱۳۸۴-۱۳۷۷؛ قراخانی ۱۳۷۶)، پردیس و رامین (فاضلی ۱۳۸۳) تپه ارسطوی شهریار (توفیقیان ۱۳۸۵ الف) و پرندهک (۱) رباط کریم (فاضلی ۱۳۷۷؛ علی بیگی ۱۳۸۵ الف) به دست آمده است. با توجه به مشابهت های موجود به نظر می رسد این قطعات که به سفال های نوع چشمه علی معروفند، معرف استقرار دوره انتقالی مس و سنگ یا سیلک II در محوطه هستند.

گروه دیگری از سفال های سطحی، دو قطعه سفال آلبی با خمیره زمخت است. شاموت یک نمونه مقدار بسیار زیادی گاه درشت و نمونه دیگر ترکیبی از گاه خرد شده و ماسه نرم است. پوشش این قطعات گلی غلیظ به رنگ آلبی با ضخامتی در حدود دو میلی متر است. سطح یکی از قطعات به شکلی نامفهوم (به دلیل شکسته شدن) به رنگ سیاه تزیین شده است. تنها شکل قابل باز شناسی یک قده نسبتاً بزرگ است. این قطعات نیز دست سازند و در حرارت کم پخته شده اند و به همین دلیل مغز آنها دودزده شده است. نمونه هایی از این ظروف از قره تپه ی شهریار (Burton Brown 1974) و از یکی

پیشنهادی نیز تنها می تواند به عنوان یک فرضیه و بر پایه احتمالات فراوان قابل بحث باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

با مطالعه ی مجموعه سفال های گردآوری شده از سطح تپه ی باستانی مدرسه ی بعثت روستای کوشکک به نظر می رسد کهن ترین شواهد باستان شناختی در این محوطه سفال های قرمز منقوش موسوم به چشمه علی است. با توجه به مشابهت های موجود به نظر می رسد که این قطعات مربوط به دوره انتقالی مس و سنگ (سیلیک II) باشد. بر اساس جدول پیشنهادی دکتر مجید زاده این دوره همزمان با دوره فلات میانه B است.

به احتمال زیاد مواد پس از این دوره سفال های آلویی زمخت هستند که تنها دو قطعه از آنها به دست آمده است. دکتر مجید زاده معتقد است که: "پیدا شدن این نوع سفال در پایین ترین لایه های تپه قبرستان دلیلی احتمالی برای جابجایی های استقراری در کل فلات مرکزی در پایان دوران فلات قدیم (سیلیک II) است" (مجید زاده ۱۳۸۲ ب: ۵۷). او این ظروف را مربوط به دوره ای مابین سیلیک II و سیلیک III می داند (مجیدزاده ۱۳۸۲ ب: ۵۹). پس از این دوره سفال های قرمز دوره مس و سنگ قدیم ظاهر می شوند. هر چند تعداد این قطعات بسیار محدود و اندک است اما وجود این قطعات بسیار محدود و اندک است اما وجود این قطعات، مدارک قابل استنادی برای استقرار دوره ی سیلیک ۳-۱ III در محوطه هستند. در ادامه توالی زمانی در محوطه مزبور شاهد حضور فراوان تر قطعه سفال های چرخ ساز با خمیره نارنجی و نخودی و پوشش گلی به رنگ خمیره با نقوش سیاه و قهوه ای هستیم. با توجه به نقش مایه های موجود و فرم ظروف به نظر می رسد که این قطعات مربوط به استقرار سیلیک ۴ III-۵ یا دوره مس و سنگ میانی در تپه مدرسه بعثت است.

مهمترین ویژگی محوطه راکه به آن ارزش مطالعاتی خاصی می بخشد را می توان استقرار دوره مس و سنگ آن دانست. به دست آمدن سفال های دوره سیلیک III در منطقه شهریار نشان دهنده ی مسکون بودن دشت در دوره مس و سنگ است. بر اساس شواهد موجود تپه مدرسه بعثت تنها محوطه ی استقراری دشت شهریار در این دوره بوده است. به غیر از این محوطه قبلا هیچ محوطه دیگری

شکل ظروف شامل ظروف قدح مانند، سبو های کروی و کاسه با کف مخروطی و کاسه هایی با زاویه تند در نزدیک شانه و کاسه ای با کف مخروطی ظروف می شود. نوآوری این دوره استفاده از چرخ سفالگری برای شکل دادن سفال است. نکته دیگر اینکه برخلاف دوره های قبل تمامی ظروف در حرارت مناسب پخته شده اند.

نمونه های این گروه سفال، از دشت شهریار گزارش نشده است، اما مجموعه های قابل مقایسه از محوطه هایی چون تپه جنوبی سیلیک (گیرشمن ۱۳۷۹)، چشمه علی (اسفندیاری ۱۳۷۸؛ Fazeli, 2001)، صادق آبادی "محمد آباد" (فاضلی ۱۳۸۴-۱۳۷۷؛ رضایی نیا ۱۳۸۵)، تپه قبرستان (فاضلی ۱۳۸۳)، مافین آباد (فاضلی ۱۳۷۷؛ ۱۳۸۴) و چخماق تپه رباط کریم (علی بیگی ۱۳۸۵ ب) گزارش شده است. بر اساس شکل و نقش سفال ها و مشابهت های موجود با دیگر محوطه ها به احتمال فراوان این قطعات مربوط به استقرار دوره سیلیک ۴، III یا دوره مس و سنگ میانی در "تپه تسطیح شده ی مدرسه بعثت" است.

دگرگونی در چشم انداز باستان شناختی و گاهنگاری منطقه ای

همانگونه که پیشتر از این هم آمد محوطه ی باستانی مدرسه ی بعثت روستای کوشکک در دشتی صاف و هموار با اراضی کشاورزی حاصلخیز واقع شده و فاصله کمی با استقرارگاه های مهم پیش از تاریخی در دشت شهریار چون تپه ارسطو در شرق، زال تپه در شمال غربی و گاومیشخانه در جنوب دارد. در این میان قسمت هایی از تپه ارسطو و زال تپه تخریب و تپه گاومیشخانه و تپه مدرسه ی بعثت کوشکک به کلی تسطیح و ویران شده است، در صورتی که محوطه هایی از این دست می توانستند نقشی اساسی در تدوین گاهنگاری منطقه ای و همچنین بررسی الگوی استقراری و یا مطالعه ی زمانی و مکانی محوطه های باستانی داشته باشند.

هرچند هدف ما در این نوشتار ارائه چهارچوب های گاهنگارانه و بحث در مورد الگو های استقراری نیست، اما با توجه به معضلات موجود و تخریبات صورت گرفته به نظر می رسد، چشم انداز باستان شناختی استقرارهای هزاره ششم و پنجم ق.م در دشت شهریار تا حدودی دگرگون شده است. بر این اساس الگو ها و مدل های

محوطه‌ها در دوره‌های گوناگون باید با توجه به این دگرگونی‌ها صورت پذیرد.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانیم از آقای دکتر کامیار عبدی برای بازخوانی متن مقاله، تصحیح و تذکرات سودمندشان و هم‌چنین به خاطر راهنمایی‌های همیشگی اش واز آقای دکتر کمال‌الدین نیکنامی که با روی گشاده‌متن‌نهایی مقاله را خواندند صمیمانه سپاسگزاری و قدردانی نمائیم. همچنین از حمید رضا ولی پور برای راهنمایی‌ها و تذکرات ارزشمندش و از محمد رضا زارعی زرنه که ما را در بررسی محوطه یاری کرد متشکریم.

فهرست منابع:

صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].
علی محمد اسفندیاری، آذرمدخت ۱۳۷۸ جایگاه فرهنگ چشمه علی در فلات مرکزی ایران، ضمیمه گزارش‌های باستان‌شناسی ۳، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

فاضلی نشلی، حسن ۱۳۷۷ بررسی استقرارهای دوران نوسنگی و کالکولیتیک در دشت ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].

فاضلی نشلی، حسن ۱۳۸۰ " بررسی‌های باستان‌شناسی در دشت تهران"، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال، دوره ۸۴، شماره ۱۶۰، صص ۱۹۷-۲۱۶.

فاضلی نشلی، حسن ۱۳۸۲ گزارش مقدماتی کاوش محوطه باستانی تپه پردیس و بررسی‌های باستان‌شناسی دشت تهران، پژوهش مشترک باستان‌شناسی دانشگاه تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و دانشگاه برادفورد - دانشگاه لیستر. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].

فاضلی نشلی، حسن ۱۳۸۳ " گاهنگاری نسبی و مطلق تپه قبرستان دشت قزوین"، گزارش‌های باستان‌شناسی (۳)، صص ۵۰ - ۳۷.

فاضلی نشلی، حسن ۱۳۸۴ الف " گزارش مقدماتی گمانه زنی و لایه نگاری تپه زاغه سال ۱۳۸۰"، مجله علمی پژوهشی دانشکده

که نشان دهنده استقرار دوره‌سپلک III-۳ (مس و سنگ قدیم) و سپلک ۵-III۴ (مس و سنگ میانی) در شهریار باشد شناخته نشده بود. کشف و شناسایی محوطه‌های از این دست شاید بتواند رفته رفته پاسخگوی پرسش‌های ما در مورد جا بجایی استقرارهای پیش از تاریخی در اواخر دوره‌سپلک II در فلات مرکزی باشد.

نکته دیگر اینکه مطالعه محوطه‌های تخریب شده‌ای از این دست که می‌تواند نقشی اساسی در تدوین گاهنگاری‌های منطقه‌ای و بازسازی چشم اندازهای باستان‌شناختی داشته باشد، مهم و قابل تأمل است. بی‌توجهی به چنین تخریباتی در نتیجه‌گیری‌ها و ارائه الگوهای استقراری می‌تواند به کاستی‌ها و خطاهای ناخواسته دامن زند. بنابراین در تدوین الگوهای استقراری و نمودار رده - اندازه‌ی

توفیقیان، حسین ۱۳۸۵ الف گزارش تعیین حریم تپه باستانی ارسطو شهرستان شهریار، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران

حاکمی، علی ۱۳۳۸ حفاری در تپه موشلان " اسمعیل آباد ساوجبلاغ"، آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد، سالنامه کشور ایران، سال چهاردهم، تهران، صص ۲۰۷-۲۰۳.

خلعتبری، محمد رضا ۱۳۸۰ گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی - فرهنگی حوزه فرمانداری ورامین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].

رضایی نیا، عباس ۱۳۸۵ الف گزارش تعیین حریم تپه باستانی محمد آباد " صادق آبادی " شهرستان ری، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].

رضایی نیا، عباس ۱۳۸۵ ب گزارش تعیین حریم تپه باستانی فخر آباد شهرستان ورامین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].

علی بیگی، سجاد ۱۳۸۵ الف گزارش تعیین حریم تپه باستانی پرندک (۱) شهرستان رباط کریم، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده].

علی بیگی، سجاد ۱۳۸۵ ب گزارش تعیین حریم محوطه باستانی چخماق تپه شهرستان رباط کریم، آرشیو سازمان میراث فرهنگی،

زمستان صص ۶۰-۵۵ .
 مصدقی امینی ، فرشید، ۱۳۸۰، گزارش پژوهشی بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی فرهنگی حوزه فرمانداری شهریار (دو جلد) ، آرشیو سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده] .
 ملک شه میرزادی ، صادق ، ۱۳۶۹، " تاملی در علل جا به جایی استقرار های پیش از تاریخ در حاشیه کویر در فلات مرکزی ایران " مجله باستان شناسی و تاریخ، سال چهارم شماره پیاپی ۸ و ۹ ، ۱۰-۲ .
 ملک شه میرزادی ، صادق ، ۱۳۷۸، " ایران در پیش از تاریخ " باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور .

Burton – Brown , T ;1962, "Excavations at shahryar, Iran ". Archaeology , VOL . XV. PP. 27-31. ;

Burton – Brown , T 972 “ Kare Tepe .” , Excavation in Iran . The British contribution Oxford ., PP .15-16 ;

Burton – Brown , T 979 Kare Tepe . Oxford shire , London.

Coningham , R .A .E. , Fazeli , H ,young ,R.l . , Donahue ,r.e . ,

2004 T; location ,location ,location : A Pilot survey of the Tehran plain , in 2003” . , IRAN 42:1- 12 .

Fazeli , N.H 2001, An Investigation of Craft Specialisation and cultural complexity of the Late neolithic and the chalcolithic periods in the Tehran plain , Ph.D Dissertation , university of Bradford.

Malek shahmirzadi , S 1977, Tepe Zaghe : A six Millennium B.C Village in the Qazvin Plain of the central Iranian Plateau . , Ph.D

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، شماره ۲ - ۱۷۳ ، دوره ۵۶ .

فاضلی نشلی ، حسن ۱۳۸۴ ب " ارزیابی مجدد گاهنگاری تپه سیلک بر اساس یافته های جدید باستان شناختی در دشت تهران " ، در مجموعه مقاله های موزه ملی ایران (۱) ، انتشارات موزه ملی ایران .
 فاضلی نشلی ، حسن ؛ کانینگهام، را بین ؛ یانگ، روث ؛ گیل مور ، گرین ؛ دیناهو ، راندی ؛ مقصودی ، مهران و بت، کتی ۱۳۸۴ " گزارش مقدماتی کاوش محوطه باستانی تپه پردیس در سال ۱۳۸۳ " ، مجله باستان شناسی [جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران وموزه ملی ایران] ، سال اول ، شماره ۲ ، ۴۴-۳۱ .

قراخانی بهار ، حسن ۱۳۶۱ الف گزارش بازدید و پیشنهاد تعیین حریم تپه باستانی گاو میشخانه شهریار ، آرشیو سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده] .

قراخانی بهار ، حسن ۱۳۶۱ ب گزارش بازدید و پیشنهاد تعیین حریم تپه باستانی حصارک غفاری شهریار ، آرشیو سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده] .

قراخانی بهار، حسن ۱۳۷۶ گزارش تعیین حریم تپه های باستانی مرد آباد ، مافین آباد ، قره تپه ، دشت بهشت ، اورازان و پرندک ۱ ، آرشیو سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان تهران [منتشر نشده] .

کابلی ، میر عابدین ۱۳۸۷ بررسی های باستان شناسی قم رود ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور
 گیرشمن ، رومن ۱۳۷۹ سیلک کاشان ، ترجمه اصغر کریمی ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور .

مجید زاده ، یوسف ۱۳۷۸ گزارش مقدماتی نخستین و دومین فصل حفريات باستان شناختی در محوطه ازبکی ، شهرستان ساوجبلاغ ۷۸ - ۱۳۷۷ ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور .

مجید زاده ، یوسف ۱۳۸۲ الف گزارش سومین فصل حفريات در محوطه باستانی ازبکی ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری .

مجید زاده ، یوسف ۱۳۸۲ ب " سیر فرهنگهای پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران ، با مقایسه دوران سیلک III و تسلسل سفالگری در تپه قبرستان " ، ترجمه فرشید مصدقی امینی ، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال هجدهم ، شماره اول ، پاییز و



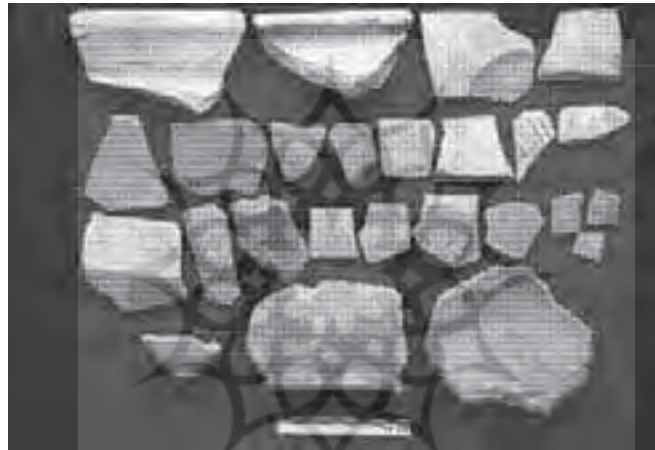
تصویر (۱) نمایی از دشت شه‌ریار و اراضی حاصلخیز آن



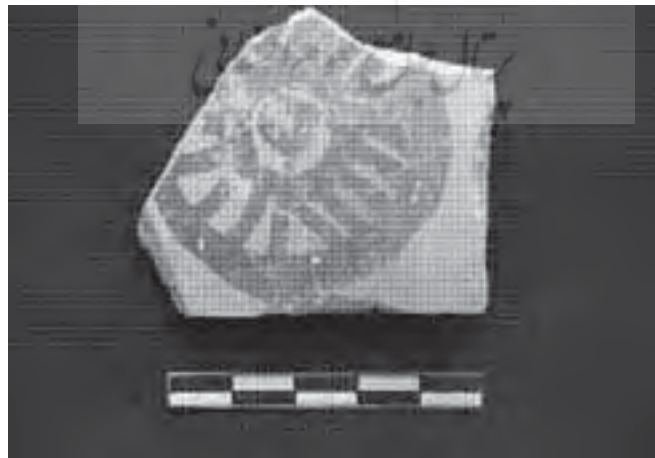
تصویر (۲) محوطهء تسطیح شده مدرسه بعثت (دید از شرق)



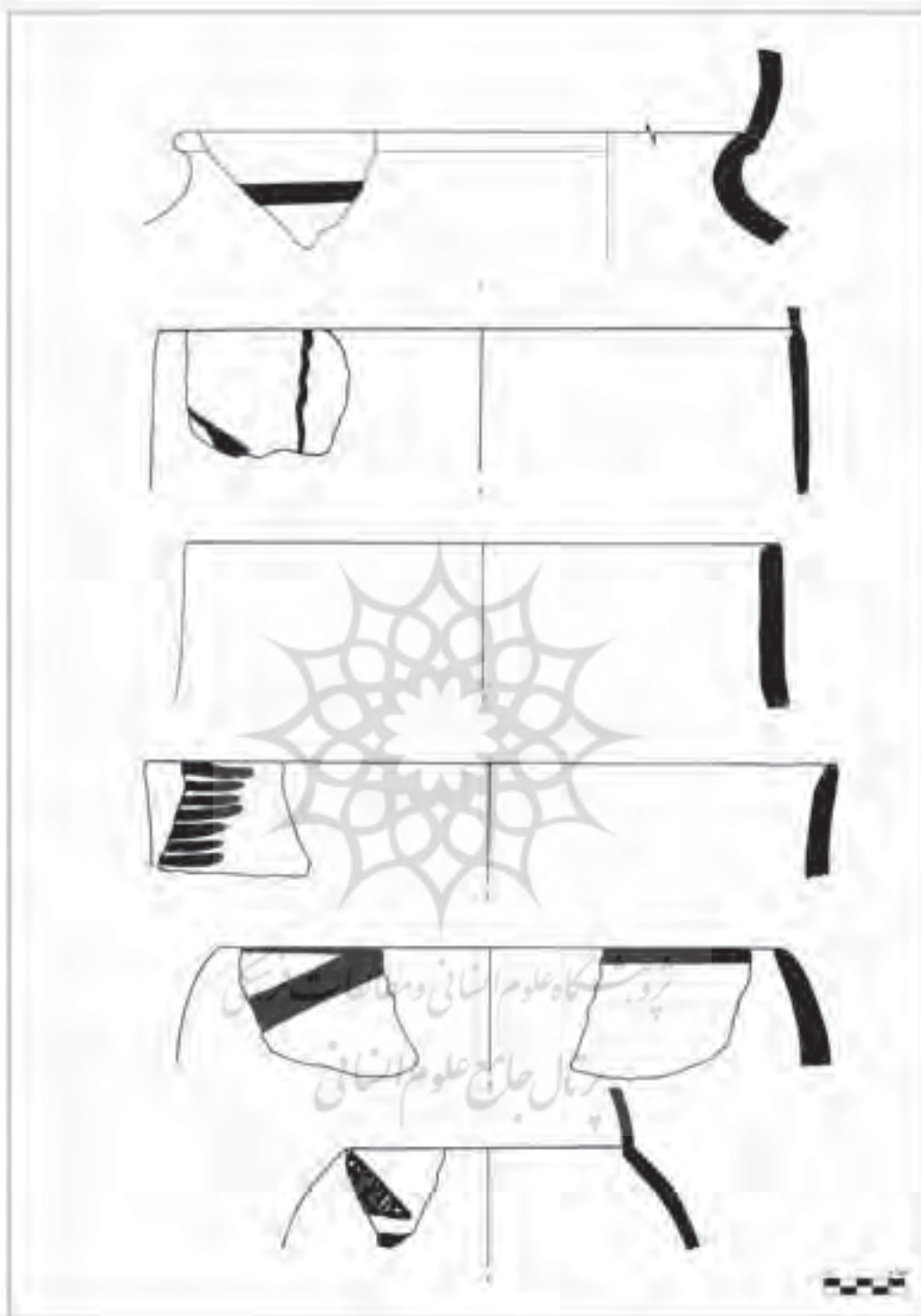
تصویر ۳) یافته های سطحی محوطه: سفال، سنگ ساب، تراشه ابزار سنگی



تصویر ۴) منتخبی از سفالهای سطحی دوره های مختلف
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



تصویر ۵) سفال دوره مس و سنگ میانی با نقش چرخ



شکل ۱: کاتالوگ سفال‌های پیش از تاریخ از محوطه مدرسه بعنت روستای کوشک، شهریار



شکل ۲: سفال های پیش از تاریخ محوطه مدرسه بعثت روستای کوشکک، شهریار

ردیف	رنگ خمیره	رنگ پوشش	جنس سفال	شاموت	ساخت	پخت	نوع تزیین	رنگ تزیین
۱.	قرمز آجری	قرمز متمایل به نارنجی	متوسط	ماسه واندکی کاه	دست ساز	ناکافی	نقاشی	سیاه
۲.	قرمز متمایل به نارنجی	قرمز متمایل به نارنجی	نیمه خشن	کاه و ذرات آهک	دست ساز	ناکافی	نقاشی	سیاه
۳.	قرمز متمایل به نارنجی	قرمز متمایل به آلبویی	متوسط	کاه خرد شده	دست ساز	کافی	نقاشی	سیاه
۴.	خاکستری (دودزده)	آلبویی	خشن	کاه و ماسه	دست ساز	ناکافی	---	---
۵.	قرمز آجری	قرمز متمایل به آلبویی	خشن	کاه و ذرات آهک	دست ساز	ناکافی	نقاشی	سیاه
۶.	خاکستری (دودزده)	نخودی	متوسط	ماسه	چرخساز	ناکافی	نقاشی	قهوه ای (روشن)
۷.	نارنجی متمایل به نخودی	نخودی (روشن)	خشن	ماسه و ذرات آهک	چرخساز	کافی	نقاشی	قهوه ای
۸.	نخودی	نخودی	خشن	ماسه	چرخساز	کافی	نقاشی	قهوه ای
۹.	نارنجی	نارنجی	خشن	ماسه نرم	چرخساز	کافی	نقاشی	سیاه
۱۰.	نخودی	نخودی	خشن	ماسه و ذرات آهک	چرخساز	کافی	نقاشی	قهوه ای

جدول ۱: جدول مشخصات سفال‌های طراحی شده محوطه‌ی مدرسه بعثت روستای کوشک، شهریار